



۲۰۲۲/۰۵/۰۴



محمد عارف عباسی

تاریخ نگاری را وجایی است و اخلاقیاتی

نه انتقام جویی و نه عقده کشایی!

دوست گرامی ام جناب انجنیر صاحب معروفی!

با عرض سلام و احترام و آرزوی سلامتی و خوشنودی شما.

در این کهن سالی و تجارب رنگین روزگار، استقلال فکری مجبوریتی نیست که در چنین صفحه ایی صرف برای خوشی خاطری بنویسیم، مطلب با روح و با محتوی و با مفهوم توأم با تبارز عقیده و موقف خاصی، سزاور ستایش و تحسین است و مستلزم مشارکت نظر.

اگر در پدیده اندیشه صاحب نظری دید و احساس خود یافتی و اطمینان آن حاصل کردی که وجه مشترکی در موقف خاصی موجود است قناعت آفرین است.

من و حوه مشترک و توافق کامل نظر خود را در نوشته عالی، معقول، مستدل و پر محتوای شما «مرغ یک لنگ مؤرخان شوقی» یافتم که با چه ملاحظتی از تقوای مسلکی در تکریم و تقدس وظیفه تاریخ نگاری، پوهنتونی تنظیم و مروارید وارچیل شده، در لای آن مشخصات موقف و احساس مشترک خود را یافتم که بارها یاد آور شده ام. دانستم که در طی این طریق همراهان زیادی دارم، الحمدلله.

این زیاده نویسی های جنون آمیز صد مقاله یی و کوبیدن پیهم سر در گاو صندوق اسرارآمیز استخبارات انگلیس صرف و صرف برای یک هدف خاص که اقتناع حس انتقام جویی و سرکشایی تومور مزمن عقده سرطانی است، که قلم وسیله کیموترایی قرار گرفته طبیعی مذبحخانه در تلاش تدریق این سم تحریف واقعیت ها در اذهان متفکرین و صاحب نظران است. نزد عاقل و عالم و جوینده واقعیت این اصرار ورزی سطحی نگرانه و سبک سرانه نه تنها که خسته کن و دلگیر است، بلکه به حدی مسخره، مبتذل و مضحک شده که در آن اثری از روشنگری، معلومات افزایی، تدریسی و تحقیقی پیدا نیست.

چندی قبل به توجه این داستان های دنباله دار نویسان نوشتم که اگر ربه نحوی تعداد خواننده این زحمات خود را مورد ارزیابی قرار دهند. محترم سیدال هومان مدیر مسؤول وبسایت آریانا افغانستان دات کام در تالاق هر مضمون میتری نصب کرده که تعداد خواننده آن را نشان می دهد و این خود نویسنده را متوجه پیمانۀ علاقمندی به زحمتش می گرداند.

در طول چندین سال با حدوث وقایع و گزارشات متنوعه مربوط روزگار کنونی ما از این نویسنده مطلب به درد بخوری مربوط حال و آینده نه خواندیم. او را در یک موضوع کلونگ یافتم.

- به هر حال، بعضی، از مؤرخین ما به شمول میر غلام محمد غبار بدین باور اند که عامل اصلی سقوط سلطنت امیر امان الله خان امپراتوری انگلیس بوده که برای انتقام جویی استقلال طلبی شاه امان الله توطئه ساخت و دسیسه ریخت. بچه سقاء مهره کلیدی عملی ساختن این توطئه بود. اگر این عقیده را کاملاً حقیقت پنداریم، چرا استخبارات انگلیس و اسناد نامحرم آن تذکری از گماشته انگلیس به نام حبیب الله کلکانی نمی دهد که چگونه و بر بنیاد چه دلایل این شخص مورد توجه انگلیس قرار گرفت و استخدام شد، و چگونه برای ایفای چنین وظیفه مهم، سقوط یک سلطنت، تحت تربیه و آموزش، چه وقت، در کجا قرار گرفته و چگونه ارتباط حبیب الله با اشخاص و حلقات وابسته به انگلیس در افغانستان قائم گردید. که باید قید و ثبت اسناد رسمی استخبارات انگلیس می بود مگر اینه نظر به دلیلی تا هنوز سری نگهداشته شده. اگر اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه گماشته انگلیس بود چرا همکار خود را اعدام می کرد، و انگلیس باید مداخله کرده او را نجات می داد.

- اگر انگلیس را اراده به سلطنت رساندن سپه سالار سردار محمد نادر خان بود دلیل منطقی این آشوب آفرینی چه بود؟ امپراتوری که سرنوشت بسی ممالک را تعیین و زعامت شان را انتصاب می کرد در رسیدن به این هدف در افغانستان چه مشکلی داشت عامل اصلی و منطقی سیاسی به سلطنت رسانیدن بچه سقاء چه بود. در حالی که توسط یک کودتای نظامی و یا دسیسه قتل امیر به آسانی سردار محمد نادرخان را به سلطنت رسانیده به هدف می رسید. آیا دلایل و عوامل سقوط سلطنت شاه امان الله در بطن جامعه گره خورده و خود نظام عوامل سقوط و فرو پاشی را در بطن خود پروارنیده بود، یا واقعاً توطئه انگلیس آن را سقوط داد. گرچه گپ تیر شده تاریخی است با آن هم مستلزم باز نگری و تحقیق است که خود یک مونوگراف پوهنتونی شده می تواند که جمیع شرائط و اوضاع داخل وطن با صداقت، وفاداری، اهلیت، کفایت و اخلاق و شخصیت مهره های کلیدی نظام، روحیات و ساختار روانی شخص شاه و موقف جامعه در کل در قبال طرح های اصلاحی و مترقی، و عوامل خارجی در قبال سیاست خارجی نظام متون اساسی این تحقیق را باید بسازد.

- اگر شاه امان الله می دانست و متیقن بود که انگلیس وی را به این سرنوشت دچار ساخته چگونه راه اخراج خود را هند بریتانوی انتخاب کرد. در حالی که از طریق ایران و ترکیه و یا شوروی به روم رفته می توانست.

- اگر انگلیس چنین دشمن سر سخت شاه امان الله بود چطور به او اجازه ورود به قلمرو امپراتوری اش داد؟ و از اعلیحضرت با فراهم آوری تسلیات و امتیازات استقبال نموده امکانات سفر خود و همراهانش را مهیا ساخت.

- اکثریت محققین و مؤرخین ما تعبیرات جو سیاسی دنیا را در ختم جنگ جهانی اول به ارتباط تداوم استعمار انگلیس در افغانستان کم تر در نظر گرفته اند که پیامد این جنگ برای ممالک استعمار گر چه بوده و چگونه رقابت ها جای خود به رفاقت ها و هم پیمانی ها می دهد.

آیا دلیلی که انگلیس برای تصرف افغانستان در سال ۱۸۳۹ داشت بعد از جنگ جهانی اول عین دلایل و شرائط موجود بود. در اثر این جنگ چهار امپراتوری بزرگ دنیا منحل و متلاشی و قدرت های استعماری انگلیس و فرانسه سخت آسیب دیده از لحاظ اقتصادی در بحران بودند و تمام قوت شان به شمول روسیه در تقسیم متصرفات امپراتوری عثمانی متمرکز بود و خوفی از جانب روس متوجه الماس تاج شاهی انگلیس یعنی هند بریتانوی وجود نه داشت که تداوم استعمار انگلیس را در افغانستان توجیه کند بعد از پایان جنگ و شمول روسیه به حیث یکی از متحدین جنگ علیه جرمنی، هنگری، آستریا و دولت جوانان عثمانی عین شرائط محافظه هندوستان و موجودیت حائلی چون افغانستان در سال ۱۹۱۸ موجود نه بود. در ختم جنگ حثوپالتکس دنیا تغییر کرده و ظهور امپریالیزم امریکا به حیث قدرت نوی در جهان دست یابی به منابع انرجی انگیزه بازی های بزرگ سیاسی شد

- حقیقت دیگری که کسی از آن یاد نه کرده مطالبه استقلال افغانستان توسط امیر حبیب الله خان است که قبل از کشته شدنش برادرش «نائب السلطنه» سردار نصرالله خان توظیف برای این مطالبه نموده و دستور داد که این موضوع را با شخص ملکه انگلستان مطرح کند .

پایان



برای مطالب دیگر محمد عارف عباسی روی عکس کلیک کنید

